

کامروایان

از آن صدها هزاران ره سپاران	یکی داند طریق رستگاران
بزیر پای او این زندگانی	پلی باشد به ملک جاودانی
از آن ره هرکه را اذن عبور است	حیاتش جاودان تا نفخ صور است
یکی بیداردل ز آن صد هزاران	شناسد راه کوی بخت یاران
همان راهی که هموار است و روشن	ز هر نامطمئنّی امن و ایمن
صراط روشن آزاده مردان	که جان بردند از افسون شیطان
به پای هر قماری نقد هستی	نیاوردند از دنیا پرستی
ازین نقد گران هستی خریدند	نه ده روزی درین پیدا خریدند
نه زین گنج گران بی قرینه	همه اویاشتند اندر خزینه

بدور از هر گران جانی و سختی

همان سوداگران نیک بختی

مخلّد بهر خود دار فنا را

بپا کردند بنیاد بقا را